

فراز و نشیب عملکرد مدیریت و مشارکت مدنی در جامعه ایران

دکتر سیف الله سیف الهی

رئیس پژوهشکده جامعه پژوهی میزان و عضو هیأت علمی دانشگاه

چکیده:

شناخت و رزافزون مبادله اطلاعات و دستاوردها بین جوامع انسانی از یکسو و تهاجمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی یکسویه کشورهای توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه از سوی دیگر، سردرگمی ها و پیچیدگیهای ویژه ای را در اداره و مدیریت جامعه و نحوه مشارکت نمایان مردم و مدیریت ها در جامعه جهانی به وجود آورده است. این جریان در کشورهای در حال توسعه از آن نظر بفرنج تر و بحرانی تر شده است که فرصت بازنگری به گذشته و شناخت جامع از ساختار و عملکرد سیستم اجتماعی خود در درون شبکه سیستم جهانی را ندارند و با شتاب در جهت دستیابی و رسیدن به الگوهای ذهنی، القایی و دستاوردهای دیگران هستند، بدون اینکه جایگاه، پایگاه، نیازمندیها و امکانات خویش را دریابند.

مقوله ها و مباحث جامعه مدنی، مشارکت اجتماعی، آزادی، توسعه پایدار، قانون مداری، بهره وری، دیران سالاری، تشکل های سیاسی و ... از جمله پدیده های اجتماعی هستند که در اثر ضرورتها، تجربه ها و تلاش ها در برخی از جوامع، در مرحله ای از مراحل توسعه و شکل بندی اجتماعی، پدید آمده و در روابط و ساختار جامعه دگرگونیهای ساختاری به وجود آورده است. پیدایش و شکل گیری این پدیده ها و نهادینه شدن آنها در برخی از جوامع انسانی موجب شده است که تلاشها و نیازمندیهای گروههای اجتماعی در جهت دستیابی به زندگی بهینه سمت و سوی مشخص بگیرد.

مطالعه و بررسی این موضوع که جامعه ما تا چه حدودی از مشارکت مردمی و مدنی، مدیریت مشارکتی، مدیریت تولی گرایانه و... در اداره امور جامعه برخوردار است و زمینه های شکل گیری و تعمیم جامعه مدنی و قانون مداری در ایران اسلامی تا چه اندازه فراهم شده است و برای دستیابی به آرمانها و هدفهای انقلاب اسلامی و توسعه پایدار و موزون چه پیشنهادها راهبردی - کاربردی می توان ارائه داد، یکی از مباحث راهبردی - کاربردی در شرایط کنونی جامعه ماست. مقاله حاضر در این راستا تهیه و تدوین شده است. (۱۸)

مقدمه:

دستاوردهای نظری و تجربی چند سده گذشته جوامع انسانی در زمینه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه حاکی از این است که دستیابی به توسعه انسانی، پایدار و موزون نیازمند بستر مناسب و یا تمهید زمینه بهینه برای چنان حرکتی است. به عبارت دیگر توسعه انسانی، پایدار و موزون در جوامع به سه عامل نظام مند و بنیادی زیر نیازمند است:

- ۱- شناخت روند، ماهیت، ساختار و عملکرد نظام اجتماعی یا جامعه مورد نظر
 - ۲- آگاهی از شرایط نظام جهانی و موقعیت جامعه مورد نظر در شبکه ارتباطات جهانی (۱)
 - ۳- دستیابی و بهره یابی از دو رکن بنیادی - برای ساماندهی و سازماندهی جامعه در جهت هدفهای برنامه های توسعه مورد نظر - یعنی مدیریت هوشمندانه و مشارکت مردمی در برنامه های توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- بیان این واقعیت ضروری است که دستیابی و بهره یابی جامع و همه جانبه از سه عامل فوق در هیچ جامعه ای رخ نداده و نمی دهد. ولی برخی جوامع نسبت به برخی دیگر از چنین مزیتی برخوردار شده و یا زمینه برخورداری از آن را فراهم ساخته اند.

در این مقاله فرصت کافی برای بیان علل، عوامل و ارائه دلایل متقن و عینی مبنی بر اینکه چرا و چگونه برخی جوامع به طور نسبی از مزیت و موهبت توسعه انسانی، پایدار و موزون برخوردار شده و یا برخی دیگر زمینه برخورداری را فراهم ساخته اند، نیست.

از جمله کشورهایی که از زمینه مناسب توسعه انسانی، پایدار و موزون برخوردار بوده اند،

می توان از جوامع اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا نام برد و جوامعی که زمینه توسعه پایدار را فراهم ساخته اند، می توان به کشور ژاپن، کانادا، استرالیا و کشورهای جنوب شرقی آسیا اشاره کرد. (۴)

از عوامل سه گانه اشاره شده در بالا، آنچه امروزه در فرهنگ توسعه و در تجربه با روند و ماهیت توسعه در جوامع به آن تأکید بیشتر شده و در امر توسعه انسانی، پایدار و موزون مورد توجه ویژه قرار گرفته است، عامل سوم یعنی کم و کیف مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیتهای جامعه است.

در واقع، نحوه مدیریت و مشارکت مردمی است که دو عامل دیگر را در جهت ساماندهی و سازماندهی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم ساخته و جامعه را به سوی هدفهای توسعه پیش می برد.

پرسشی که در این جا مطرح می شود، این است که جامعه ایران اسلامی ما در این رهگذر از چه مزیت ها، موهبت ها، تنگناها، موانع و آرمانهایی برخوردار است. به عبارت دیگر چگونه می توان جامعه ایران اسلامی خودمان را به سوی توسعه انسانی، پایدار و موزون سوق داد.

پرسشی که امروزه به عنوان یک معضل و بحران در فرهنگ توسعه مطرح است. زیرا جهان امروز، با گذر از بحرانهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دهه ها و سده های گذشته، اکنون خود را از یک سو با بحران مدیریتی و از سوی دیگر با عدم مشارکت مردمی در برنامه ها و فعالیتهای جامعه مواجه می بیند. بحرانی که نیازمند به بصیرت، تأمل و رهبری ویژه ای است. جادارد که بحث را در این راستا، یعنی مدیریت و مشارکت مردمی در جامعه اسلامی خود متمرکز کنیم. زیرا که انقلاب اسلامی مان در گذر از بحرانهای داخلی و خارجی در طول دو دهه گذشته تجربیات ارزنده ای به دست آورده است که این تجربیات می تواند زمینه ساز الگویی بهینه برای توسعه انسانی، پایدار و موزون در ایران و سایر جوامع باشد. (۶)

بحران مدیریتی در جهان امروز

جهان امروز علی رغم برخوردارگی از دستاوردهای عظیم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چند سده اخیر با بحران مدیریتی و مشارکت مردمی در امور و

فعالیت‌های اجتماعی مواجه شده است. بنابراین، به دنبال پاسخ به نیازهای جامعه، فعالیت‌های اجتماعی در انسانها در درون اجتماعات و جوامع برای دستیابی به نیازمندیهای زیستی، روانی و اجتماعی در شبکه پیچیده روابط اجتماعی قرار گرفته (و با توجه به ماهیت و روند روابط اجتماعی) گروه‌های اجتماعی، تقسیم کار و خرده نظامهای اجتماعی را در درون نظام بزرگتر به نام جامعه پدید می‌آورند. (۲)

با توجه به نقطه نظر مذکور، به هر اندازه جامعه از روابط اجتماعی مطلوب‌تر، انسانی‌تر و عادلانه‌تر برخوردار باشد، نحوه و ماهیت مدیریت جامعه مطلوب‌تر و مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی با همبستگی، وفاق، همکاری و همیاری‌های بهینه اجتماعی صورت می‌گیرد. بر عکس، هر اندازه روابط اجتماعی بر بنیان زور، سلطه‌گری، حيله و تزویر شکل گرفته و تداوم یابد، امور و فعالیت‌های اجتماعی در جامعه با مسائل، مشکلات، تنگناها و بحران‌هایی از قبیل بحران مدیریت و مشارکتهای مردمی مواجه می‌شود. از سوی دیگر، به هر نسبتی که جامعه از نظر توسعه و تکامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مراحل پیشرفته‌تری را طی کرده باشد از پیچیدگیهای بیشتری برخوردار شده و روابط اجتماعی دارای کنش و واکنشها و ارتباطات متقابل عمیق‌تر و درهم تنیده‌تری می‌شود. در نتیجه اعمال مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی به نظم و نسق، قانونمندیها، ضوابط و مقررات دقیق‌تر، مدون‌تر و فراجناحی‌تر نیاز پیدا می‌کند. پیدایش چنین شرایطی در هر جامعه به قانونمندیهای رفتار و روابط اجتماعی می‌انجامد که از شاخص‌ها و ویژگیهای جامعه مدنی است.

از مطالب و مباحث فشرده مذکور می‌توان چند نتیجه گرفت. اول اینکه ماهیت، روند و عملکرد مدیریت جامعه و نیز میزان و نحوه مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی به ماهیت و روند روابط اجتماعی و به عبارت دیگر به نوع و

ماهیت تقسیم کار و مسؤولیت ها ، توزیع امکانات و دستاوردها و شیوه رفع نیازهای زیستی ، روانی و اجتماعی بین افراد و گروههای اجتماعی دارد . دوم اینکه ، نوع ، میزان و عملکرد مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی بستگی به میزان تکامل ، تحول و توسعه جامعه دارد . سوم اینکه نحوه و عملکرد مدیریت تأثیر مستقیم بر میزان مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی دارد . چهارم اینکه نحوه و عملکرد مدیریت و میزان مشارکت مردمی در امور و فعالیت‌های اجتماعی با آگاهی فردی و اجتماعی افراد جامعه رابطه مستقیم دارد . پنجم اینکه حاکمیت قانون و ضوابط در جامعه و احترام به حقوق فردی و اجتماعی افراد ، زمینه ساز هم‌نوایی و وفاق اجتماعی ، در نهایت موجب مشارکت اجتماعی و مدنی در جامعه می شود .^(۹)

جوامع امروزی ، اعم از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه ، به دلایل تاریخی ، ماهیت شکل‌گیری روابط اجتماعی و شرایط نظام جهانی از مدیریت و رهبری شایسته و مشارکت واقعی گروه‌های اجتماعی در امور و فعالیت‌های اجتماعی ، از جمله تصمیم‌گیری ها ، سیاست‌گذاریها ، برنامه‌ریزی ها و ... برخوردار نیستند . این جریان کم و بیش در تمام جوامع امروزی حاکم است و گرچه برخی از جوامع بر برخی دیگر از نظر توسعه صنعتی ، سیاسی ، اقتصادی و ... پیشی گرفته‌اند ولی خود دارای معضلات فردی ، اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی ویژه ای هستند که برای پندگیری و بهره‌یابی ، قابل بررسی و تأمل بیشتری است .

به بیان دیگر ، گرچه بسیاری از جوامع انسانی (مانند کشورهای صنعتی پیشرفته) امروزه کم و بیش مسائل و مشکلات فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی خود را حل کرده‌اند و به مراحل پیشرفته تری از نظر توسعه دست یافته‌اند ، ولی در درون نظام اجتماعی خودشان افراد و گروه‌های اجتماعی ، به دلیل روابط اجتماعی ناعادلانه ، از بی تفاوتی ها و خود بیگانگی های روانی ، عاطفی ، فرهنگی و

اجتماعی رنج فراوان می برند. (۳)

روند و جریان مذکور، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد این جوامع تأثیر فراوان گذاشته است که به عنوان نمونه می توان به عدم مشارکت فعال مردم و گروههای اجتماعی در امور و فعالیتهای اجتماعی اشاره کرد. با توجه به نقطه نظر مزبور، می توان گفت که اولاً ساختار روابط اجتماعی و در نهایت ساختار نظام اجتماعی در این جوامع مبتنی بر عدالت اجتماعی، توسعه انسانی، تکامل انسانیت و انسانها نبوده و ثانیاً معیار و شاخص های فراطبقات اجتماعی و الهام گرفته از نیازهای روحی و فطرت انسانی در این جوامع کم رنگ می باشد.

یادآوری این واقعیت ضروری است که اغلب جوامع در حال توسعه علاوه بر داشتن مسائل و مشکلات مذکور، دارای مسائل، مشکلات و تنگناهای ویژه ای هستند که معضلات نظام مدیریتی و مشارکت مردمی در این جوامع را دوچندان کرده است. (۱۶ و ۱۹)

کم و کیف مشارکت مدنی، مدیریت مشارکتی و متولی گرایانه در جامعه ما

جامعه ما، از نظر نحوه مدیریت و مشارکت مدنی دارای ویژگیهایی است که نیازمند مطالعه و بررسی جامع، اکتشافی، عمیق، راهبردی و بنیادی است. از یک نظر، می توان گفت که جامعه ما، به دلیل پیچیدگیهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ناشناخته مانده است. بنابراین، ارزیابی و داوری در مورد ماهیت، روند و عملکرد مدیریت، نحوه و میزان مشارکت مدنی و مردمی در امور و فعالیتهای اجتماعی و نیز توانایی گروههای اجتماعی در بیان حقایق، نیازمندیها و پی گیری خواستههای خود، کاری بسیار مشکل و شکننده است.

جامعه ما، از یکسو گاهی آرام و گاهی چون کوه آتشفشان در حال غلیان و جوشان است. مردم و گروههای اجتماعی گاهی مطیع فرمان مدیریت و گاهی طاغی و یاغی به

نظر می‌رسند. از سوی دیگر، روند و ماهیت مدیریت جامعه در تمام سطوح و در اغلب دوره‌های تاریخی از ویژگیهایی برخوردار است که در کمتر جوامع انسانی دیده می‌شود. گاهی مدیریت از احترام ویژه برخوردار است و گاهی پیشیزی بین مردم ارزش ندارد. گاهی مدیریت از آن مردم است و گاهی جدا و مبرا از مردم. در این جا آنچه که برای مطالعات راهبردی و کاربردی بسیار حایز اهمیت است، نبود الگو و مبانی نظری و علمی برای تعیین شاخص‌های علمی در جهت شناخت واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایرانی است.

در واقع جامعه ما، مانند اقیانوس پرتلاطم و ناشناخته‌ای است که هر آن احتمال توفان در آن هست. این جریان، یکی از واقعیتهای اجتماعی است که مدیران، محققان و برنامه‌ریزان جامعه اسلامی ما در شرایط کنونی باید از آن آگاه باشند. (۱۴۰۱ و ۱۴۰۰) با توجه به مطالب مذکور، تحلیل و تبیین روند، ماهیت و عملکرد مدیریت و نحوه و ماهیت مشارکت مردمی در امور و فعالیتهای اجتماعی در جامعه ماکاری بسیار پیچیده و توأم با اظهار نظرها و پیشداوریهای ارزشی و تجربه شخصی است. به طور کلی، ویژگیهای مهم نظام مدیریتی و نحوه مشارکت مردمی در ایران را می‌توان به صورت دو مقوله جداگانه چنین بیان داشت.

روند، ماهیت و عملکرد مدیریت در جامعه ایران

مهمترین ویژگیهای تاریخی و شاخص‌های نظام مدیریتی در ایران را می‌توان چنین نام برد:

- نظام مدیریتی در ایران در طول تاریخ یکسویه و از بالا به پایین بوده است.

- در انتخاب مدیران و نحوه اعمال مدیریت کمتر به آرا و خواستههای مردم توجه

شده است.

- مردم در تمام جریانات به عنوان سپاهی لشکر و ابزار حکومتی مورد استفاده واقع شده اند.

- مرزبندی طبقاتی بین گروههای اجتماعی از یکسو و بین گروههای اجتماعی و

مدیریت جامعه از سوی دیگر مشخص نبوده است.

- مدیریت در اداره جامعه بیشتر از امر و نهی و ابزارهای سلطه گری و زورگویی

استفاده نموده است.

بنابراین روابط اجتماعی یکسویه، نابرابر و ناعادلانه یی بین مدیریت و گروههای

اجتماعی در جامعه حاکم بوده است.

- مدیریت جامعه کمتر به گروههای اجتماعی و فرهنگی فرصت داده تا در امور

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت فعال، جدی و واقعی داشته باشد. (۱۵)

ماهیت و عملکرد مشارکت مدنی و مردمی در امور و فعالیتهای اجتماعی در ایران

ویژگیها و شاخص های مهم ماهیت و عملکرد مشارکت مردم در امور و فعالیتهای

اجتماعی در ایران را می توان چنین برشمرد:

- مشارکت مردمی در ایران بیشتر به صورت تشکل های غیررسمی در جهت

مدرسائی، همدردی، عاطفی، روانی و فرهنگی است.

- در طول تاریخ، مردم ایران نسبت به مدیریت جامعه زیاد خوش بین نبوده اند

بنابراین در امور و فعالیتهای اجتماعی مربوط به مدیریت با اکراه همکاری نزدیکی

ابراز داشته است. (۱۲ و ۱۵)

- گروههای اجتماعی و فرهنگی امکان ابراز نظر و عقیده و تشکل های فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی را، در جهت همکاری و همنوایی گروهی، نداشته اند. بنابراین

تجربه کافی در مشارکت های اجتماعی سازمان یافته را نیازموند، اند.

- گروههای اجتماعی در ایران نسبت به قانون ، مقررات ، ضوابط اعمال شده از سوی مدیریت به دیده شک و تردید و سوءظن نگریسته اند .

- گروههای اجتماعی در ایران ، بیشتر مشارکت های مردمی را در امور و فعالیتهای خانوادگی ، خویشاوندی و محله ای ، قومی - فرهنگی تجربه کرده اند و کمتر در مشارکتهای مردمی مربوط به امور و فعالیتهای اجتماعی سازمان یافته ، وسیع و گسترده در حد شهر ، استان و کشور (مانند مشارکت مردم در جامعه مدنی) همکاری داشته اند .

- گروههای اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در ایران تجربه کافی در مشارکتهای اجتماعی در عمل ، از زندگی آپارتمان نشینی گرفته تا شکل های سیاسی سازمان یافته مانند احزاب ، را ندارند . به همین دلیل در جامعه شهری مسائل و نابهنجاریهای گوناگون روانی ، اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی بیشتر مشاهده می شود . (۱۱ و ۱۷)

علل و عوامل شکل گیری و تداوم مدیریت یکسویه

تاریخ اجتماعی ایران در طول سده های گذشته شاهد برخوردهای سهمگین بین مدیریت سیاسی جامعه و مردم بوده است . پی آمدهای برخوردهای مزبور گرچه حرکت های اجتماعی در جامعه ایرانی را گاهی تند و تیزتر ساخته است ولی انتظارات گروههای اجتماعی را برآورده نساخته است . در واقع نارضایتی جمعی و گروهی و نارضایتی وجدان جمعی در جامعه ما همچنان باقی است . بدون اینکه جامعه و افراد جامعه توان تحلیل و تبیین دقیق تر از علل و عوامل چنین گرایش های جمعی را داشته باشند . تحلیل و تبیین این پدیده بسیار مهم که چرا جامعه ما در طول سده های گذشته نتوانسته است به حقوق فردی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی مورد انتظار خود دست یابد و مدیریت صالح و بهینه را برای اداره امور جامعه برگزیند و تفاهمی بین مدیریت

و گروه‌های اجتماعی در جهت تأمین امنیت زیستی، روانی و اجتماعی ایجاد کند، به بحث و گفتگوی مفصل و مستند دارد. به نظر اینجانب، پاسخ این پرسش را باید در ساختار، روند، ماهیت و عملکرد دو عامل زیر جستجو کرد:

۱- ماهیت ساختاری و عملکرد ارکان و عناصر اصلی و تشکیل دهنده نظام اجتماعی ایران

۲- شرایط و موقعیت منطقه و جهان در ارتباط با جامعه ایران

در ارتباط با عامل اول باید گفت که عناصر و ارکان اصلی جامعه ما (ساختار جغرافیایی و محیط زیست، ساختار جمعیتی، ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی و ساختار سیاسی) به خاطر ناهمگونی ساختاری آنها زمینه‌هایی نامطلوب برای تحول، توسعه و تکامل اجتماعی فراهم کرده است. این واقعیت، زمینه مناسب برای شکل‌گیری روابط اجتماعی عادلانه، تقسیم کار اجتماعی عادلانه، توزیع امکانات و امتیازات اجتماعی بر پایه ضوابط و قوانین مدون و انسانی نبوده است. بنابراین شکاف ایجاد شده بین مدیریت جامعه و گروه‌های اجتماعی - فرهنگی از سده‌های گذشته تاکنون همچنان پابرجا مانده است. این روند موجب شده است که مدیران جامعه به سوی حکومت فردی، تصمیم‌گیری‌های یکسویه و کم‌توجهی به خواسته‌های گروه‌های اجتماعی سمت‌گیری کنند. از سوی دیگر گروه‌های اجتماعی به جای مشارکت‌های اجتماعی، همیاری و همکاری با مدیریت در مقام ستیز با سکوت، بی‌تفاوتی و دهن کجی برآیند. در واقع روند تحولات اجتماعی در ایران تا دهه‌های اخیر بر این منوال پیش رفته و زمینه برای قانونمند کردن پندارها، گفتارها و کردارهای طرفین در جامعه فراهم نشده است. بنابراین، حرکت به سوی جامعه مدنی هم به کندی پیش رفته است.

عامل دوم، یعنی شرایط و موقعیت منطقه و جهان نیز در طول تاریخ تأثیر خود را بر روند، ماهیت و عملکرد مدیریت و مشارکت مردمی گذاشته است. به عبارت دیگر، می توان گفت که عوامل خارجی، مسائل، مشکلات و تنگناهای مدیریتی و مشارکت مردمی را عمیق تر نموده و حرکت جامعه را به سوی همنوایی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در نهایت به سوی جامعه مدنی با تنگناهایی مواجه ساخته است. کما اینکه برخورد مدیریت اقتصاد جهانی با جامعه ایران اسلامی مان، در قبل و پس از انقلاب اسلامی و در حال حاضر، نمونه عینی این مدعا است. (۱۶)

فراز و نشیب عملکرد مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیتهای اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران

ایران در طول سده اخیر با ضربات سهمگینی که از اقتصاد جهانی خورده است، واکنش های بسیاری از خود نشان داده است. نمونه های مشخص این واکنش ها را می توان در انقلاب مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در بازتاب انقلاب سفید شاهنشاهی ۱۳۴۱ و بالاخره در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مشاهده کرد. (۱۳)

انقلاب اسلامی، توانست بنیان مدیریت و روابط اجتماعی دیرینه را در ایران برهم ریزد و زمینه های تحول، تکامل و توسعه جامعه مدنی در جهت توسعه انسانی، پایدار و موزون را به مردم ایران و جهان نشان دهد.

در واقع انقلاب اسلامی با بهره یابی از شرایط و موقعیت نامساعد داخلی و خارجی، توده های مردمی را به سوی هدفها، آرمان و خواسته های دیرین بسیج کرده و آنها را علیه قدرت مدیریت داخلی و مدیریت اقتصاد جهانی بشوراند و نشان دهد که با مشارکت مردمی می توان قدرتمندترین حکومت ها را از حکومت ساقط کرد. به بیان دیگر، قدرت مشارکت مردم در امور و فعالیتهای اجتماعی در انقلاب اسلامی به

نمایش گذاشته شد و از میدان مبارزه پیروز درآمد. آنچه که پس از انقلاب مطرح بوده است، برآورده ساختن انتظارات گوناگون، گسترده و شکل نیافته مردم از نظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و انقلابی است. مدیریت جامعه پس از انقلاب اسلامی، در چندین جبهه به مبارزه، تلاش و کوشش برخاست تا راهی و الگویی برای همنوایی، همیاری و مدیریت مشارکت و متولی گرایانه در جامعه پیدا کند و آن را به عنوان الگوی توسعه انسانی، پایدار و موزن به گروههای اجتماعی در داخل جامعه و به جامعه جهان ارائه دهد.

تجربه دو دهه اخیر، علی رغم مسائل، مشکلات تنگناهای داخلی و خارجی (مانند جنگ تحمیلی، ستیزهای درون جامعه‌ای) به ایران اسلامی فرصت‌های مناسبی را برای مطالعه، بررسی، ارزیابی، بازنگری و دورنگری داده است تا در بستر چنین زمینه‌هایی، راه و الگویی بهینه برای مدیریت و مشارکت مردمی در امور و فعالیتهای اجتماعی پیدا کرده، مدون کند و به مرحله اجرا درآورد. این تلاش و کوشش تا دستیابی به جامعه مدنی، عدالت اجتماعی و اسلامی، تداوم خواهد داشت.

انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ نشانگر تأیید و تأکید بر چنین نیازها و خواستها بود که مردم با پاسخ شایسته و هوشمندانه بدان، زمینه را برای مدیریت هوشمند و قانونگرا فراهم ساختند. امید است که حرکت اخیر از یک سوزینه‌هایی بسیار ارزنده برای مدیریت مشارکتی، متولی گرایانه و قانونگرا فراهم سازد و از سوی دیگر گروههای اجتماعی را به احساس مسؤولیت و استقبال از تعهدات اجتماعی فراخواند تا زمینه مشارکتهای مردمی در تمام ابعاد جامعه گسترش یابد. (۸ و ۷)

راهکارها و راهبردهای پیشنهادی

به طور کلی، با پیدایش زمینه‌های طرح مسائل و مشکلات دو جانبه در جامعه،

کم و بیش درون مایه راهکارها و راهبردهای نظری و عملی نیز پی ریزی می شود. فقط باید امکان سنجی شود که ظرفیت و توانمندیهای فردی و اجتماعی در طرح مسائل و پاسخگویی بدان در جامعه تا چه حدی است. به عبارت دیگر، باید ارزیابی شود که راهکارها و راهبردها چگونه و تا چه حد می تواند در جهت ساماندهی و سازماندهی و در نهایت در جهت هدایت جامعه به سوی توسعه انسانی، پایدار و موزون قرار گیرد. زیرا طرح مسائل و راه حل های انتزاعی و نقل قول از تجربه های دیگر جوامع، به عنوان الگو، دردی را دوا نمی کند. فقط مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حادث می شود. به طور کلی راهکارها و راهبردهای پیشنهادی در جامعه ما، جهت دستیابی به مدیریت هوشمند، مشارکت مردمی و در نهایت به جامعه مدنی، تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

- ۱- میزان آگاهی و شناخت واقع بینانه و متقن از امکانات، فرصت ها و تنگناهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه
- ۲- میزان شناخت و درک درست از شرایط نظام جهانی و موقعیت جامعه در شبکه جهانی
- ۳- میزان درک و تشخیص از شرایط زمانی و مکانی طرح مسائل، مشکلات و تنگناها
- ۴- میزان حدت و شدت مسائل و مشکلات اجتماعی و میزان اثرگذاری آنها بر هستی و همبستگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه
- ۵- میزان ظرفیت و توانایی مدیریت جامعه و گروههای اجتماعی در پذیرش راهکارها و راهبردها

با توجه به مباحث و مطالب مزبور، چند پیشنهاد کلان (در جهت زمینه سازی برای ارائه راهکارها و راهبردهای اجرایی و بنیادی واقع بینانه تر و جامع تر) ارائه می شود:

- ۱- شناسایی تشکل های غیررسمی و درون جوش جامعه که به صورت های گوناگون فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در بستر جامعه و در میان خرده فرهنگها ، گروههای قومی - فرهنگی ، اجتماعات روستایی ، عشایری و شهری ایران اسلامی مان جریان دارد .
- ۲- برنامه ریزی در جهت ساماندهی و سازماندهی تشکل های غیررسمی و هدایت آنها به سوی سازمانهای رسمی و نظام یافته جهت بهره یابی و ارتقای کارآیی و بهره وری آنها در راستای هدفهای توسعه انسانی ، پایدار و موزون و دستیابی به جامعه مدنی .
- ۳- تلاش و برنامه ریزی در جهت جلب اعتماد گروههای اجتماعی از طریق عملکردهای بهینه مدیریتی ، و مشارکت دادن واقعی مردم در تصمیم گیریها ، سیاستگذاریها ، برنامه ریزیها و امور اجرایی از طریق تشکیل شوراهای تدوین ضوابط ، مقررات ، آییننامه ها و قوانین مربوطه
- ۴- احترام به حقوق فردی و اجتماعی مردم در چارچوب قانون اساسی و قوانین مصوب و تمهید به اجرای آنها از سوی مدیریت جامعه
- ۵- نظر سنجی مستمر از افکار عمومی در مورد نحوه و عملکرد مدیریت از طریق مؤسسات پژوهشی مستقل ، بهره یابی از دستاوردهای آن در سیاستگذاریها و برنامه ریزیهای اجتماعی ، فرهنگی و ...
- ۶- ایجاد فضای بهینه برای اظهار نظرهای مردمی از طریق گسترش نشریات تخصصی و عمومی و سایر رسانه های گروهی غیردولتی و نیز هدایت گروههای اجتماعی به سوی تشکل های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی جهت مشارکت در امور و فعالیتهای اجتماعی و در راستای هدفهای برنامه توسعه انسانی ، پایدار و موزون
- ۷- برنامه ریزی در جهت کاهش بی عدالتیهای فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و

اقتصادی از طریق تعدیل روابط اجتماعی ناعادلانه و یکسویه، توزیع امکانات و مسؤولیتها بر پایه شاخص های شناخته شده اجتماعی و مدیریتی

۸- مطالعه و تحقیق در جهت شناخت ارکان و عناصر بنیادی جامعه و ماهیت

ساختاری و ترکیبی آنها و بهره یابی از دستاوردهای مطالعات و تحقیق در برنامه ریزی ها در جهت بهره یابی بهینه از امکانات بالقوه و بالفعل جامعه

۹- کاهش تنگناها و تهدیدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه از طریق امکان سنجی و زمینه یابی های مستمر تحقیقاتی و مطالعاتی از بستر جامعه و شرایط و موقعیت جهانی

۱۰- توسعه و گسترش زمینه های ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر پایه سیاستهای مشخص، موزون و راهبردی.

۱۱- تلاش در گسترش حسن تفاهم فرهنگی و اجتماعی بین گروههای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق اعمال مدیریت فراگروهی و فراجانحی

۱۲- ارتقای وفاق اجتماعی و همبستگی فرهنگی از طریق احترام به حقوق گروههای اجتماعی و فرهنگی و کاهش ستیزهای فرهنگی و اجتماعی در چهارچوب برنامه های فرهنگی و اجتماعی مدون و مصوب

۱۳- تدوین برنامه های کوتاه، میان و بلندمدت در جهت ارتقای آگاهی گروههای اجتماعی - فرهنگی از طریق توسعه و گسترش آموزش و پرورش مستقیم و غیرمستقیم و پرهیز از تبلیغ یکسویه، عامیانه و کلی گویی ها و کلی نگری های انتزاعی

۱۴- برنامه ریزی در جهت تقویت مبانی فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران اسلامی و ایجاد علاقه و همبستگی بین مردم از طریق بهره یابی واقع بینانه و عالمانه

از عناصر و ابزارهای فرهنگی، تاریخی و یادمانهای مادی و معنوی جامعه ایران اسلامی

۱۵- مطالعه و بررسی اکتشافی و جامع در مورد پدیدههای اجتماعی مانند علل و

عوامل کمبود هم‌نوایی مطلوب و بهینه بین مدیریت و مردم در اداره امور جامعه، تظاهر به هم‌نوایی و هم‌سویی از سوی طرفین و ارائه راهکارهای راهبردی و اجرایی در جهت همسو و هم‌نواساختن مدیریت و مردم و بهره‌یابی بهینه از توانمندیهای طرفین در جهت توسعه انسانی، پایدار و موزون جامعه

۱۶- مطالعه و بررسی اکتشافی و جامع از علل و عوامل پیدایش ذهنیت احساس اجحاف در مردم قدرت‌نمایی در مقابل قانون و مقررات و بی‌توجهی به سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه از سوی برخی از افراد و گروه‌های اجتماعی تظاهر و دورویی، ارتشاء، تمایل به اعمال مدیریت یکسویه و فردی در جامعه، بی‌تفاوتی مردم در قبال مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی، تهاجم فرهنگی، انگیزه مهاجرت‌های گروهی از روستا به شهر، از شهر به پایتخت و از کشور به سایر کشورها، افسردگی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی، نابه‌هنجاریهای نوجوانان و جوانان و گرایش آنها به مواد مخدر، بی‌تفاوتی و ... و بهره‌یابی از این دستاوردها در برنامه‌ریزیهای فرهنگی و اجتماعی در جهت سالم‌سازی محیط فرهنگی و اجتماعی و ایجاد جامعه سالم در ایران اسلامی

۱۷- تهیه و تدوین راهبردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه از طریق مطالعات و تحقیقات و کسب نظر از مردم، در حد توان و ظرفیت آنها و تدوین برنامه اجرایی برای آنها

منابع و یادداشتها

- ۱- اسکالر ، هالی ، ترجمه احمد دوست محمدی ، سه جانبه‌گرایی ، ۱ و ۲ ، وزارت ارشاد ، تهران ، ۱۳۷۲
- ۲- تافلر، الوین، شوک آینده ، ترجمه حشمت‌اله کامرانی ، چاپخانه کارون ، تهران ، ۱۳۷۴
- ۳- تافلر، الوین، ترجمه شهیندخت خوارزمی ، جابجایی در قدرت، نشر سیمغ، تهران ، ۱۳۷۴
- ۴- تافلر ، الوین ، موج سوم ، ترجمه شهیندخت خوارزمی ، نشر نی ، تهران ، ۱۳۷۶
- ۵- زرین کوب ، عبدالحسین ، تاریخ ایران ، بعد از اسلام ، امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۶۳
- ۶- سیف‌اللهی، سیف‌اله، اقتصاد سیاسی ایران، انتشارات پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه‌ریزی المیزان ، تهران ، ۱۳۷۵
- ۷- سیف‌اللهی ، سیف‌اله ، « تنگناها و افق‌ها در آموزش عالی کشور در جستجوی راهی به سوی کارایی و بهره‌وری بیشتر» ، روزنامه ایران ، تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۳۷۶
- ۸- سیف‌اللهی، سیف‌اله، جامعه‌شناسی، مباحث و مسایل اجتماعی، نشر مرندیز، گناباد، ۱۳۷۴
- ۹- سیف‌اللهی ، سیف‌اله ، روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران ، روزنامه همشهری ، چهارشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۷۶
- ۱۰- شعبانی ، رضا ، مبانی تاریخ اجتماعی ایران ، نشر قومس ، تهران ، ۱۳۶۹
- ۱۱- صبحی ، علی اکبر ، جامعه‌شناسی ایران ، دانشگاه شهید بهشتی ، تهران ، ۱۳۶۴
- ۱۲- طباطبایی، سیدجواد، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران، کویر، تهران ، ۱۳۷۴
- ۱۳- عیسوی ، چارلز ، ترجمه یعقوب آژند ، تاریخ اقتصاد ایران ، نشر گسترده ، تهران ، ۱۳۶۲
- ۱۴- فاروقی ، فواد ، سرنوشت انسان در تاریخ ایران ، چاپ باستان ، تهران ، ۱۳۶۳
- ۱۵- قاسمی ، ابوالفضل ، سیرالیگارش در ایران ، ققنوس ، تهران ، ۱۳۵۷
- ۱۶- کوهن ، کارل ، ترجمه فریبرز مجیدی ، دموکراسی ، خوارزمی ، تهران ، ۱۳۷۳
- ۱۷- گیرشمن ، ر . ترجمه محمد معین ، ایران از آغاز تا اسلام ، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۴
- ۱۸- لنکسی ، گرهارد ، جین لنسکی ، ترجمه ناصر موققیان ، سیر جوامع بشری ، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۹
- ۱۹- لیوینگستن ، آرتور ، ا. ترجمه حسین عظیمی ، سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه ، سازمان برنامه و بودجه ، تهران ، ۱۳۶۸